



Article Type: Research paper

The Capacities and Cultural Components of Soft Power of the Islamic Republic of Iran in Yemen

*Seyyed Mohammad Mousavi¹

1. Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Social Sciences, Payame Noor University.

Article Info.

Received: 13/10/2022

Accepted: 7/10/2023

Available Online: 29/07/2026

Keywords:

Soft power, Islamic Republic of Iran, Yemen, Ansarullah, Cultural Capacity, Axis of Resistance.

* Corresponding Author:

Dr. Seyyed Mohammad Mousavi

Address: Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Social Sciences, Payame Noor University.

E-mail:

S46mosavi@pnu.ac.ir

Abstract

Soft power is a form of national power based on intellectual and cultural appeal. Soft power is beyond mere cultural power and includes political and economic power as well. The purpose of this article is to explain the capabilities and cultural components of soft power of the Islamic Republic of Iran in Yemen. In this research, we try to answer the main research question of the soft power cultural capacities of the Islamic Republic of Iran in Yemen by using Joseph Nye's soft power theoretical framework and descriptive-analytical method. The findings of the research indicate that the cultural soft power of the product and the result of positive portrayal, presenting a justified image of oneself, gaining credibility in domestic and foreign public opinion. For various reasons, the Islamic Republic of Iran has provided the necessary grounds and conditions to gain soft power and increase its popularity among the countries of the region, especially Yemen. As a result, the cultural capacity of Iranians has been formed in the relationship between itself and other countries, especially Yemen, between two sides of identity sources: "Islamism, Iranianness". The Islamic Republic of Iran has been able to advance a strategy based on the axis of resistance and deterrence by using the cultural capacities and local united forces of Yemen.

How to Site:

Mosavi, S. M. (2026). The Capacities and Cultural Components of Soft Power of the Islamic Republic of Iran in Yemen. *The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 8(1), 86-109.



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

ظرفیت‌ها و مؤلفه‌های فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در یمن

*سیدمحمد موسوی^۱

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۳ دی ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۰۷ دی ۱۴۰۲

تاریخ انتشار: ۷ مرداد ۱۴۰۵

چکیده

قدرت نرم شکلی از قدرت ملی است که مبتنی بر جذابیت فکری و فرهنگی است. قدرت نرم فراتر از قدرت فرهنگی صرف است و شامل قدرت سیاسی و اقتصادی نیز می‌شود. هدف از نوشتار حاضر، تبیین ظرفیت‌ها و مؤلفه‌های فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در یمن است. در این پژوهش تلاش می‌کنیم با استفاده از چارچوب نظری قدرت نرم جوزف نای و روش توصیفی-تحلیلی به سؤال اصلی پژوهش مبنی بر پیوستی ظرفیت‌های فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در یمن پاسخ دهیم. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که قدرت نرم فرهنگی محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی است. جمهوری اسلامی ایران به دلایل مختلفی زمینه‌ها و شرایط لازم را برای کسب قدرت نرم و ارتقای حد نصاب محبوبیت خود در میان کشورهای منطقه به ویژه یمن فراهم ساخته است. در نتیجه ظرفیت فرهنگی ایرانیان در نسبتی که میان خود و سایر کشورها به ویژه یمن برقرار کرده است، در میان دو ضلع منابع هویتی: «اسلامیت، ایرانیت» شکل یافته است. جمهوری اسلامی ایران توانسته است با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی و نیروهای متحد محلی یمن، استراتژی مبتنی بر محور مقاومت و بازدارندگی را پیش ببرد.

کلیدواژه‌ها:

قدرت نرم، جمهوری
اسلامی ایران، یمن،
انصارالله، ظرفیت فرهنگی،
محور مقاومت.

*نویسنده مسئول:

دکتر سیدمحمد موسوی

نشانی: دانشیار گروه علوم سیاسی
دانشکده حقوق و علوم اجتماعی
دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
پست الکترونیک:

S46mosavi@pnu.ac.ir

استناد به این مقاله:

موسوی، سیدمحمد. (۱۴۰۴). ظرفیت‌ها و مؤلفه‌های فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در یمن، مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۸(۱)، ۸۶-۱۰۹.

۱. مقدمه

در میان ابعاد قدرت نرم شاخص فرهنگی را می‌توان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مؤلفه آن دانست، زیرا بن مایه زیست اجتماعی یک جامعه را تشکیل داده و بر سایر ابعاد مانند سیاست و اقتصاد یک کشور اثر می‌گذارد. از این رو، توجه ویژه به جنبه فرهنگی قدرت نرم یک ضرورت است. جمهوری اسلامی ایران دارای ظرفیت فرهنگی گسترده‌ای در کشور یمن می‌باشد. این مهم، فقط محدود به ظرفیت‌های دینی و مذهبی نمی‌گردد، بلکه از تاریخ باستان ایران نیز نشأت می‌گیرد. از یمن در متون و تاریخ باستان ایران بسیار نام برده شده است. در کتاب‌ها و افسانه‌های زیادی نیز در مورد حمیر پادشاه یمن و هاموران (نام قدیمی یمن) صحبت شده است که برجسته‌ترین آنها کتاب شاهنامه فردوسی است. این کتاب یکی از مهم‌ترین اسناد مربوط به تاریخ ایران و سایر ملل نزدیک و همسایه به شمار می‌رود.

از طرف دیگر در سطح دینی و اسلامی مهمترین ابعاد سطح تحلیل منطقه‌ای قدرت نرم فرهنگی را می‌توان در مواردی شامل: بازسازی تمدن اسلامی و احیای تاریخ تمدن و هویت فرهنگی، تاریخی و اسلامی، ارتقای بیداری اسلامی، مقبولیت و محبوبیت منطقه‌ای، احیای هویت جهان اسلام، محوریت ثبات منطقه‌ای، جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم، ارتقای موقعیت ژئواستراتژیک ایران در منطقه، تحقیر رژیم صهیونیستی در منطقه، الگوی مقاومت بسیج، توسعه و تحکیم عمق استراتژیک جمهوری اسلامی در منطقه، شکست طرح‌های استکباری در منطقه، تقویت دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی در منطقه و به گروه‌های مقاومت یمنی مانند حوثی‌ها جستجو کرد. در سطح تحلیل بین‌المللی از مهمترین ابعاد قدرت نرم فرهنگی می‌توان به مواردی چون: به چالش کشیدن هژمونی فرهنگی غرب، گشایش جبهه ثالث در نظام بین‌المللی بر اساس اصل نه شرقی نه غربی، پرچم داری انقلاب فرهنگی جهانی، شکل‌گیری فرهنگ مقاومت جهانی در برابر استکبار و صهیونیسم جهانی، تقویت گفتمان نفی سلطه و عدالت خواهی، ارتقای فرهنگ جهاد، شهادت و منجی طلبی، رشد گفتمان معنوی و دینی، ترویج روحیه استقلال طلبی در میان مستضعفان، برهم زدن معادلات قدرت‌های سیاسی امنیتی قدرت‌های بزرگ، تأثیرگذاری بر تحولات و معادلات بین‌المللی، ارتقای توانمندی رسانه‌ای و... اشاره کرد.

بنابراین، ضروری است که نخبگان علمی، سیاسی و فرهنگی کشور توجه‌ای ویژه‌ای

را به این امر داشته باشند و با شناسایی کلیه ظرفیت‌های این کشور در راستای پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی ایران گام‌های مهمی را بردارند. این پژوهش بر آن است تا منابع و ظرفیت‌های فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در یمن را به روش توصیفی-تحلیلی و در چارچوب نظریه قدرت نرم مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد. از این رو، مسئله اساسی پژوهش حاضر ظرفیت‌ها و مؤلفه‌های فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در یمن است. در پاسخ به سؤال اصلی، ابتدا مفهوم قدرت نرم و جنبه‌های فرهنگی آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و سپس با بهره‌گیری از نظریه قدرت نرم جوزف نای به عنوان چارچوب نظری، به بررسی و تحلیل ظرفیت‌های فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در یمن خواهیم پرداخت.

۲. پیشینه پژوهش

در رابطه با ظرفیت‌ها و مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی در یمن، مقاله پژوهش و یا کتاب مشخصی وجود ندارد و آثار موجود صرفاً به توصیف بخشی دیگری از ابعاد روابط ایران و یمن پرداخته‌اند، در هر حال به برخی از تحقیقات صورت گرفته در رابطه با قدرت نرم جمهوری اسلامی و موضوعات یمن در موارد ذیل اشاره می‌شود.

پیتر سالیسبوری در پژوهشی با عنوان «یمن و جنگ سرد ایران و عربستان سعودی»^(۱)، به بررسی بحران یمن و نیز رقابت‌های در حال توسعه و پیچیده میان ایران و عربستان پرداخته است. نویسنده معتقد است که برخی ریشه‌های مناقشات میان ایران و عربستان در حوادث داخلی یمن نهفته است. از اینرو، گسترش اخیر تحرکات الحوثیها در قلب یک حکومت سکولار ملی گرایانه در یمن که تا حدی بازتابی از یک اتحاد جدید در مقابل ائتلاف سعودی‌ها است و نیز وجود اختلافات تاریخی میان ایران و عربستان به عنوان رقیب، واکنش شورای همکاری خلیج فارس به گسترش و ادامه جنبش الحوثی بر پیچیدگی ابعاد بحران یمن افزوده است. در نهایت نویسنده معتقد است که اگر یمن بخواهد به درجه‌ای از ثبات برگردد و از لحاظ جغرافیایی دست نخورده باقی بماند، باید به مصالحه‌ای دست پیدا کند که نیازهای بازیگران داخلی را تأمین کند (Salisbury: 2015).

کجتنی سلویک در پژوهشی با عنوان «جنگ در یمن: دیدگاه ایران»، به بررسی نقش ایران در

منازعات منطقه‌ای از قبیل جنگ در یمن پرداخته است. نویسندگان به وضوح تصریح می‌کنند که عربستان سعودی، جنگ در یمن را به عنوان مبارزه با گسترش نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران قلمداد می‌کند؛ همچنین این مقاله به بررسی جهت‌گیری‌های سیاسی و ایدئولوژیک متفاوت در مخالفت با رهبری عربستان سعودی، عملیات نظامی در یمن، تقویت نفوذ منطقه‌ای ایران از قبیل بحرین در یمن، می‌پردازد (Selvik: 2015).

جوئل مقدال (۲۰۱۴) در پژوهش خود، نفوذ ایران را به اتحاد موفقیت آمیز آن با بازیگران غیر دولتی مانند حوثی‌ها در یمن مربوط می‌داند. وی افزایش قدرت منطقه‌ای ایران را ناشی از استفاده از قدرت نرم در منطقه می‌داند.

حمیدرضا غریب‌رضا (۱۳۹۲) در کتاب «اویس خمینی» به چگونگی شکل‌گیری جنبش انصارالله یمن به رهبری شهید سید حسین الحوثی و سخنرانی‌های مهم از او پرداخته است. در این اثر دیدگاه‌ها و نظرات شهید سید حسین الحوثی برگرفته از تعالیم اسلام و اندیشه‌های امام خمینی (ره) است و به ایجاد انصارالله و اندیشه‌های رهبر آن پرداخته شده است.

محمد صادق کوشکی (۱۳۹۵) در کتاب «انصارالله در یمن» به تاریخ سیاسی و اجتماعی یمن از صدر اسلام تا عصر معاصر می‌پردازد و ضمن اشاره به تاریخ زیدیه در یمن به چگونگی و نحوه شکل‌گیری جنبش انصارالله در این کشور از ابتدا تا سال ۲۰۱۳ این جنبش را متأثر از انقلاب اسلامی در ایران و اندیشه‌های امام خمینی (ره) می‌داند. در ادامه در مورد جنگ‌های جنبش انصارالله با دولت علی عبدالله صالح و چگونگی شهادت سید حسین الحوثی نیز توضیحات کاملی را ارائه می‌دهد.

مرتضی بیات (۱۳۹۵) در کتاب «تأثیر انقلاب اسلامی بر پیدایش جنبش الحوثی یمن» به این موضوع می‌پردازد که انقلاب اسلامی ایران، قدرت تشیع را در کشور یمن تقویت کرده است. در حالی که از یک طرف مذهب زیدی در یمن به علت فقدان آگاهی عمیق از دین، تحولات روز و کمبود علمای دینی در حال محو شدن بود و از طرف دیگر تبلیغ وهابیت ذهن جوانان زیدی را مخدوش می‌کرد. این پژوهش با استفاده از منابع فکری، دو بعد تأثیرگذار بر جامعه یمن: یعنی تفکر شیعی که انقلاب اسلامی در جهان به وجود آورد و نیز اشاعه تفکر وهابیت را مورد واکاوی و تأثیرات انقلاب اسلامی را بر پیدایش جنبش الحوثی در یمن را تجزیه

و تحلیل قرار می‌دهد.

علی اکبر جعفری (۱۳۹۷) در مقاله «منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه کمی سیاست‌های کلی علم و فناوری» بیان می‌دارد که نظام جمهوری اسلامی ایران دارای منابع فراوانی از قدرت نرم در ابعاد داخلی و خارجی می‌باشد و همین موضوع زمینه ساز ارتقاء جایگاه و توانمندی ملی ایران در عرصه جهانی شده است. یکی از مسائلی که در رابطه با قدرت ملی ایران حائز اهمیت می‌باشد، شناسایی و استخراج ظرفیت‌ها و منابع قدرت نرم می‌باشد که با توجه به دامنه گسترده منابع قدرت ایران، بررسی دقیق آنها امری بایسته و ضروری می‌باشد. به همین علت نویسنده با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کمی و (الگوی چهار وجهی منابع قدرت نرم) منابع اصلی قدرت نرم شامل ۱. منابع سیاسی ۲. فرهنگی ۳. علمی و اقتصادی می‌داند.

محمدرحیم عیوضی (۱۳۹۵) در مقاله «قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و جریان‌های سیاسی شیعه غرب آسیا» بیان می‌دارد که دولت‌ها و حکومت‌ها سعی دارند منافع و اهداف استراتژیک خود را در میان دیگر ملت‌ها و کشورها از طریق قدرت نرم به ویژه تأثیرگذاری بر افکار عمومی آن کشور به وسیله استراتژی‌های خود به دست آورند، در این بین، جمهوری اسلامی با توجه به اهداف کلان خود در سیاست خارجه یعنی حمایت از گروه‌های مقاومت و صدور انقلاب از پتانسیل خوبی برای در جهت حمایت و اثری گذاری بر گروه‌های مقاومت شیعی در منطقه خاورمیانه را داراست.

محسن باقری‌فر و سید محمد موسوی (۱۳۹۴) در مقاله «موضع سیاسی ایران نسبت به جنبش انصارالله یمن؛ بر اساس مطالعه سازه‌انگاری» در پاسخ به این سؤال که ایران چه موضعی نسبت به جنبش انصارالله یمن دارد، براساس نظریه سازه‌انگاری نقش بازیگران سیاسی غیردولتی در روابط بین‌الملل را بررسی می‌کنند و معتقدند که ایران برای پیشبرد اهداف خود در منطقه خاورمیانه از این بازیگران از جمله انصارالله یمن استفاده می‌کند.

منصور میر احمدی (۱۳۹۴) در مقاله «هویت و مبانی فکری جنبش انصارالله در یمن» در پاسخ به پرسش چگونگی شکل‌گیری هویت و مبانی فکری جنبش انصارالله یمن بیان می‌دارد که هویت و مبانی فکری آن‌ها برگرفته از آموزه‌های اسلامی است، و آن‌ها در جنبش خود از

شعارهای دینی برای رسیدن به اهداف سیاسی استفاده می‌کنند.

پیمان زنگنه (۱۳۹۵) در مقاله «بازنمود ماهیت حاکم بر کنشگری ایران و عربستان در بحران یمن» در پاسخ به این پرسش که اصول حاکم بر روابط دو کشور ایران و عربستان در بحران کنونی یمن از چه روشی پیروی می‌کند، بر این اعتقادند که کنش رفتاری دو کشور ایران و عربستان در یمن متضاد و در مقابل یکدیگر قرار دارد و سازه‌های هویتی دو کشور را جهت‌دهنده سیاست خارجی دو کشور در یمن می‌داند. نوآوری پژوهش حاضر در این است که هیچکدام از پژوهش‌های یادشده به طور جامع و مانع مسئله‌ی مورد بررسی ما را در این پژوهش پوشش نمی‌دهند؛ به عبارت بهتر به کارگیری چهارچوب نظری قدرت نرم جوزف نای، در تبیین ظرفیت‌های فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در یمن از نوآوری‌های پژوهش و روزآمدبودن مسئله پژوهش حاضر است.

۳. چارچوب نظری پژوهش

قبل از تعریف مفهوم قدرت نرم که به صورت آکادمیک و نظری برای اولین بار توسط یک استاد علوم سیاسی در دانشگاه‌هاروارد و کارشناس امنیت بین‌المللی ایالات متحده جوزف نای (۱۹۹۰) مطرح شد، توضیح مفهوم «قدرت» مفید خواهد بود. به عقیده نای، به زبان ساده، قدرت توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران به منظور دستیابی به نتایج مطلوب است (Nay, 2003). در گذشته قدرت از نظر عوامل و ابعاد مختلف آن همواره حاصل یک دستاورد بوده است. تنها با منابع اندازه‌گیری شده مانند زمین و جمعیت زیاد، برای یک کشور قابل تعیین بود (Lord, 2006).

به گفته مورگنتا (۱۹۶۲) که یکی از نمایندگان اصلی مکتب رئالیستی است، قدرت به این معناست که شخص بر افکار و اعمال دیگران کنترل دارد. به عقیده لیبرال‌ها، قدرت را می‌توان به عنوان توانایی یک بازیگر برای به دست آوردن چیزهایی که دیگران در شرایط عادی نمی‌توانند انجام دهند یا بر نتایج کنترل داشته باشد، مشخص کرد (Keohane and Nye, 1989). با این حال، وقتی پدیده قدرت با جزئیات بیشتری بررسی می‌شود، طبقه‌بندی‌هایی متعددی از آن دیده می‌شود. بر اساس منابع قدرت (عینی-ذهنی) و سبک کاربرد قدرت (سخت-نرم)، می‌توان آن را در دو عنوان اصلی طبقه‌بندی کرد (Gonlubol, 2000).

جدول ۱، طبقه بندی قدرت در نظم بین المللی

سیاست های دولت	ابزارهای اساسی	رفتار	انواع قدرت
دیپلماسی اجباری جنگ اتحاد	تهدید زور	اجبار بازدارندگی حفاظت	قدرت نظامی
کمک رشوه دیپلماسی عمومی	پول سازی سرمایه گذاری ارزش ها، فرهنگ	تشویق اجبار حمایت	قدرت اقتصادی
دیپلماسی دوجانبه و چندجانبه	سیاست ها نهادهای سازمان ها	ایجاد دستور کار	قدرت نرم

ماخذ: (Nye, 2005)

جوزف نای بیان می دارد که قدرت نرم متشکل از تاریخ، جغرافیا، قدرت فرهنگی، قدرت اقتصادی، الگوی اجتماعی، توسعه دموکراتیک و قدرت سیاسی، گسترش و تأثیرات سازمان های جامعه مدنی، زیرساخت های علم و فناوری و ارزش هایی مانند هنر و ورزش است که در زندگی اجتماعی با مفهومی همچون احساس در ذهن ایجاد می شود (Nye, 2005). قدرت نرم را به عنوان شتاب دهنده قدرت یک کشور تعریف می کند که با همه امکانات و فرصت هایی که یک کشور دارد به غیر از نیروی مستقیم نظامی ایجاد می شود، اما این قدرت در صورت لزوم از نیروهای نظامی نیز حمایت می کند، به طور خلاصه، قدرت نرم متکی بر توانایی شکل دادن به ترجیحات دیگران است و قدرتی است که برای سایر کشورها جذاب است.

به نظر نای (۲۰۰۵)، قدرت نرم بر سه منبع استوار است و به ترتیب اهمیت، اولین مورد تأکید بر فرهنگ است؛ دوم ارزش های سیاسی و سوم تحولات سیاست خارجی. هسته اصلی فرهنگ ارزش ها هستند. از نظر محتوایی به طور کلی فرهنگ، شامل ثروت های مادی و معنوی ایجاد شده در تاریخ جامعه بشری می دانیم. به تعبیری اعتقاد بر آن است که فرهنگ هم ایدئولوژی اجتماعی است و هم سیستم ها و نهادهای مرتبط با آن، اعم از عقاید، اندیشه های سیاسی، قانون گذاری، اخلاق، هنر، دین و علم. اما از هر زاویه ای که به آن نگاه کنیم، فرهنگ

نسبت به سیاست، اقتصاد و قدرت نظامی یک نهاد ایستا نیست، بلکه فرآیندی پویا است.

در عرصه رقابت برای قدرت ملی، قدرت سخت یک ملت، بدون توسعه و نفوذ از طریق توسعه فرهنگی قدرت «نرم» قابل بهبود نیست، فرهنگ یک قطب نما در تصمیم‌گیری است. دولت‌های مختلف ترجیحات استراتژیک متفاوتی دارند که ریشه در تجربیات اولیه تشکیل دولت دارد و تا حدی تحت تأثیر ویژگی‌های روانی، سیاسی، فرهنگی و شناختی دولت و رهبران سیاسی آن است. مفاهیم فرهنگی به شدت بر نحوه نگاه رهبران ملی به مسائل سیاسی تأثیر می‌گذارد و اغلب راه حل‌هایی را که برای حل مسائل انتخاب می‌کنند، چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی، تعیین کننده است. بنابراین، فرهنگ‌ها برای این رهبران حیاتی هستند.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. روابط ایران و یمن

روابط ایران و یمن پیش از اسلام و در زمان ساسانیان شروع شد. بعد از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ ایران با توجه به این که اکثر مردم این کشور شیعه بوده‌اند، همواره مورد توجه مقامات ایران بوده است. حکومت آل بویه در ایران در آغاز حکومتی زیدی از نوع شیعیان یمن بود. شیعیان یمن نیز پس از انقلاب، تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار گرفته بودند به طرف ایران کشیده شدند. یمن در گذشته در بسیاری از دوره‌ها مانند دوره ساسانی تحت نفوذ حکومت ایران بوده و گاهی حاکم یمن از طرف پادشاه ایران بایستی حکم حکومتی دریافت می‌کرد.

روابط ایران و یمن همواره متأثر از وضعیت بین‌المللی و منطقه‌ای بوده است. قبل از انقلاب اسلامی در ایران، پهلوی دوم از زبیدیه حمایت نظامی می‌کرد تا در مقابل جنبش سوسیالیستی ناصریست یمن جنوبی مقاومت کنند. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی دو یمن شمالی و جنوبی در سیاست خارجی ایران هیچگاه تعریف مشخصی نداشتند، زیرا دو یمن جایگاه قابل قبولی در منطقه و جهان نداشتند. نگاه دولتمردان ایران به یمن جنوبی تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نگاهی توأم با نگرانی بود، زیرا یمن جنوبی در بلوک کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق قرار داشت. تسلط یمن جنوبی بر تنگه استراتژیک باب المندب و امکان حضور نظامی شوروی در دریای سرخ و دریای عمان و مختل شدن حرکت کشتی‌های نظامی و تجاری غرب در این دو دریا، بخشی از دغدغه‌های ایران بود. به همین دلیل در دوران حاکمیت رژیم شاه،

ایران به نیابت از آمریکا و غرب بخشی از نیروهای نظامی خود را برای دفاع از پادشاهی عمان در ظفار مستقر کرده بود. هر چند حضور نیروهای ایران در پادشاهی عمان نارضایتی برخی کشورهای بلوک شرق را به همراه داشت اما رژیم شاه تلاش داشت تا از سوی آمریکا و غرب از نفوذ شوروی در باب المنذب و خلیج فارس جلوگیری کند. درگیری‌های خونینی میان نیروهای ارتش سابق ایران و کمونیست‌های ظفار که از سوی یمن جنوبی حمایت و پشتیبانی می‌شدند، صورت گرفت که این درگیری‌ها برای ارتش رژیم شاه هزینه‌های انسانی و مالی زیادی به همراه داشت.

یمن جنوبی که در سال ۱۹۶۸ با خروج نیروهای انگلیس، استقلال خود را کسب کرد در حوزه عربی به مصر دوران جمال عبدالناصر و در حوزه بین‌المللی جزئی از بلوک اتحاد جماهیر شوروی قرار داشت. لذا رهبران یمن جنوبی سابق و جمال عبدالناصر رئیس جمهوری وقت مصر با همکاری شوروی سابق در تقویت جنبش آزادیبخش خلق ظفار یک نقش محوری ایفا کردند. این جنبش در سال ۱۹۶۲ با هدف تجزیه ظفار و سرنگونی رژیم سلطنتی عمان تشکیل شد و فعالیت چریکی خود را با تسلط بر ارتفاعات ظفار آغاز کرد. حضور نیروهای ایران در پادشاهی عمان عملاً از سال ۱۹۷۲ آغاز شد و تا سال ۱۹۷۵ که نیروهای جنبش آزادیبخش خلق ظفار بکلی شکست خوردند ادامه یافت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی، یمن شمالی به رهبری علی عبدالله صالح در کنار کشورهای حوزه خلیج فارس و یمن جنوبی به رهبری علی ناصر محمد در کنار ایران قرار گرفتند. روابط ایران با یمن جنوبی گسترده بود در حالی که روابط با یمن شمالی تحت تأثیر موضع‌گیری‌های شورای همکاری خلیج فارس قرار داشت.

علی عبدالله صالح دیکتاتور سابق یمن که کمک‌های مالی فراوانی از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس دریافت می‌کرد از رژیم صدام در جنگ تحمیلی پشتیبانی می‌کرد. علی عبدالله صالح انتظار داشت که یمن در یک فرایند زمانی مشخصی به عضویت شورای همکاری خلیج فارس درآید اما این کشورها به دلیل پائین بودن سطح درآمد سرانه یمن از پذیرش این کشور به عضویت شورای همکاری خلیج فارس خودداری کردند.

پس از پایان جنگ تحمیلی و ادغام دو یمن شمالی و جنوبی که در سال ۱۹۹۰ صورت گرفت روابط ایران و یمن جدید همچنان تحت تأثیر سیاست‌های عربستان و شورای همکاری

خلیج فارس قرار داشت. علی عبدالله صالح بشدت به عربستان وابسته بود و لذا سیاست‌های داخلی و خارجی خود را با رژیم آل سعود هماهنگ می‌کرد. حملات مکرر ارتش یمن به مراکز حوثی‌ها در صعده، لحج، تعز، عمران و صنعاء که به شهادت هزاران نفر از حوثی‌ها منجر شد به دستور عربستان صورت گرفت. تلقی رژیم آل سعود این است که چون حوثی‌ها به مذهب تشیع گرایش دارند لذا نفوذ حوثی‌ها در مناطق شمالی یمن به مفهوم نفوذ ایران است (khodaverdi, 2025:89). این وضعیت اکنون نیز ادامه دارد و عربستان پس از پیروزی‌های اخیر حوثی‌ها تلاش می‌کند تا با کمک کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، شورای امنیت سازمان ملل را به صدور قطعنامه‌ای که حوثی‌ها را به عنوان یک گروه تروریستی بشناسد، مجبور کند.

۴-۲. ظرفیت‌ها و مؤلفه‌های فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در یمن

یکی از تحولات نظام جهانی، ایجاد تغییر در ماهیت و اشکال قدرت و ارتقاء تأثیرگذاری قدرت نرم بر قدرت سخت بوده است. کشورهایی که به شکلی ماهرانه از ابزارهای فرهنگ، تمدن، تاریخ و جغرافیای خویش برای تحت تأثیر قرار دادن دیگران استفاده کرده‌اند، در صحنه سیاست ملی و جهانی اقتداری به مراتب ماندگارتر و موثرتر یافته‌اند. کشور ایران، از هزاران سال پیش تاکنون، چه به عنوان کشور و تمدنی بسیار پیچیده و شگفت‌انگیز در چهار راه تمدن‌های بزرگ بشری؛ و چه در عصر کنونی به مثابه کشوری با کوله‌باری از تاریخ، فرهنگ و تمدن در قلب بحران‌های منطقه‌ای، و از سوی دیگر موقعیت ایران به عنوان بزرگ‌ترین کشور شیعه و وارث نخستین انقلاب مذهبی در دنیای جدید؛ بعنوان کانون تولید کننده قدرت نرم مطرح بوده است. در حقیقت «قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت و کسب اعتبار نزد افکار عمومی جهان است که با بکارگیری ابزارهایی چون فرهنگ، پیشینه درخشان، آرمان یا ارزشهای انسانی به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتار دیگر کشورها اثر می‌گذارد. بنابراین، قدرت نرم پدیده‌ای اجتماعی و مرتبط با مؤلفه‌های محیطی است که به نسبت سایر ابزارهای سیاست خارجی، بیشترین تأثیرپذیری را از مؤلفه‌های هویت ملی دارد. (Harsij & Tooyserkani, 1389: 151)

عوامل متعددی در ایجاد قدرت نرم کشور موثر است که هر کدام در صورت مدیریت صحیح می‌توانند ضمن ایجاد انسجام داخلی، موجبات ارتقای حیثیت و جایگاه کشور در عرصه سیاست بین‌المللی و نظام جهانی را فراهم کنند. فرهنگ با ویژگی‌ها و کارکردهای منحصر به

فرد از یک سو به عنوان منبع تهدید کننده و از دیگر سو تقویت کننده نظام اجتماعی در کنار اقتصاد و سیاست به عنوان یکی از شاخصه‌های مهم منابع قدرت نرم معرفی می‌شود. در جنگ نرم نیز توجه عمده دشمن به بخش‌های بنیادی و هویت ساز فرهنگی است و تلاش کارگزاران تهدید نرم بر آن است که عصاره فرهنگی (باورها، ارزش‌ها) ملت را هدف گیری و آن را از بین ببرند، تا جامعه دچار بی هویتی فرهنگی شده و بنیان‌های اصیل معنوی و فرهنگی در معرض فروپاشی و استحاله قرار گیرد. از سوی دیگر انقلاب اسلامی ایران را می‌توان تجلی تحقق قدرت نرم به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید و یا پرداخت هزینه محسوس به شمار آورد. نظام جمهوری اسلامی به عنوان مهمترین محصول آن، از یک منظر سرچشمه عمده قدرت نرم بوده و از دیگر سو منبع عمده قدرت نرم در آن بیشتر ناظر بر ابعاد فرهنگی و روانی است که امروزه کارآمدترین و کم هزینه‌ترین و در عین حال خطرناکترین و پیچیده‌ترین نوع تهدید علیه آن از سوی قدرت‌های غربی در بعد تهدید نرم جاری است (Sasanian, 2025: 176). با این توصیف، تبیین دو متغیر قدرت نرم و هویت فرهنگی در مناسبات انقلاب اسلامی با یمن ضروری به نظر می‌رسد.

۴-۳. شیعیان یمن

جمعیت یمن در حدود ۳۱ میلیون نفر است که به دلایل توپوگرافی طبیعی و اقتصادی به صورت نامتعادل بین استان‌های آن توزیع شده است. جمعیت تعز که بزرگترین استان است حدود ۲۲۹۳۵۲۴ میلیون نفر است. المحویت که کوچکترین استان است، تقریباً نیم میلیون نفر جمعیت دارد.

در این بین مسلمانان اکثریت جمعیت یمن را به اضافه تشکیل می‌دهند. مسلمانان غیر شیعه به دو مکتب فکری شافعی و حنفی تقسیم می‌شوند و درصد شیعیان نسبت زیادی از ترکیب جمعیت آن را تشکیل می‌دهند یعنی بالغ بر ۴۷ درصد، باید به این نکته اشاره داشت که در رژیم‌های گذشته یمن بسیاری از شیعیان به دلیل آزار عقیدتی و سیاسی خارج از آمار بوده و هستند (Kohlberg, 2019: 91-98).

یمن یکی از قدیمی‌ترین کشورهای اسلامی و عربی در تشیع و وفاداری خالص به اهل بیت علیهم السلام به شمار می‌رود. زنی حمدانی به نام فاطمه، اولین کسی بود که به دست امیرالمؤمنین علیه السلام اسلام را پذیرفت. مورخان ذکر می‌کنند که صنعا از نظر تاریخی با

کوفه در عقاید اهل بیت علیهم السلام قابل مقایسه بوده است (lux,2020:398). عدن و صنعا دو شهر برجسته هستند که مسلمانان شیعه اثنی عشری در آن حضور گسترده دارند و این شیعیان در شهرهای دیگر مانند الجوف، مأرب، ضمار و رضع نیز حضور دارند. زیدی‌ها در شمال یمن، در مرزهای مجاور عربستان سعودی - و برخی مناطق شرقی قرار دارند.

اسماعیلیه‌ها علاوه بر صنعا، پایتخت، در مناطق حراز، ارس و الفرعا در غرب مرز یمن و عربستان حضور دارند. از جمله آثار تشیع در یمن، دولت زیدی است، و یکی از سلسله دولت‌های شیعه در آنجا توسط (الإمام الهادی إلى الحق) یحیی بن القاسم الراسی بن ابراهیم بن اسماعیل تأسیس شد. بن ابراهیم بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام از بنیانگذاران امامت در یمن است.

۴-۴. شخصیت‌ها و رهبران شیعه یمن

مهم‌ترین شخصیت‌های شیعه یمن عبارتند از:

۱. بدرالدین حوثی: از علمای بزرگ زیدیه بود؛
۲. مجد الدین المؤیدی: یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های زیدی در یمن است؛
۳. المرتضی بن زید المہاتوری: مدیر مرکز بدرالعلی؛
۴. حمود بن عدی المؤید: مدیر مرکز و مسجد النهرین؛
۵. احمد بن محمد حجر: مدیر مرکز الهادی علیه السلام؛
۶. عبدالسلام الوجیه: مدیر دارالعلوم عالی؛
۷. محمد المخادی: مدیر مرکز القاسم بن محمد؛
۸. محمد بن یحیی المدني: مدیر مسئول روزنامه الشورا؛
۹. محمد بن یحیی المنصور - مدیر مسئول روزنامه الامت مرکز مطالعات تخصصی امام مهدی علیه السلام؛
۱۰. ابراهیم بن محمد الوزیر - رئیس اتحادیه نیروهای مردمی - صاحب امتیاز روزنامه البلاغ؛

۱۱. عبدالله ابراهیم الوزیر - مدیر مسئول روزنامه البلاغ؛

۱۲. احمد محمد الشامی - رئیس حزب الحق؛

۱۳. شیخ محمد بن سعد الحاتمی - رئیس مؤسسه الزهرا سلام الله علیها؛

۱۴. عبدالله عبدالرحیم الشمیری - رئیس شعبه انجمن خیریه اصلاحات اجتماعی (Najm Haidar, 2017: 442).

۴-۵. نهادهای و موسسات شیعی یمن

مهم‌ترین نهادهای و موسسات شیعی یمن عبارتند از:

۱. مرکز العلی - در محله الصفیه در صنعا قرار دارد و مسجدی به آن متصل است که شامل کتابخانه و قسمت داخلی است؛

۲. مرکز و مسجد النهرین: در صنعا قدیم قرار دارد؛

۳. مسجد اعظم صنعا: وابسته به مدرسه است و دارای موقوفات و صندوق خیریه برای طلاب و محفل تدریس فقه و اصول بر اساس مکتب اثنی عشری است؛

۴. مرکز الهادی در شهر صعده دارای مدرسه، مسجد و مرکز مطالعات تخصصی امام مهدی علیه السلام است؛

۵. خانه علوم عالی در صنعا؛

۶. مرکز امام قاسم بن محمد - در شهر عمران / صنعا و دارای مسجد و کتابخانه کوچک است؛

۷. مکتب جعفری در عدن که بر اساس مکتب اثنی عشری تدریس می‌کند؛

۸. بیت عاشقان اهل بیت علیهم السلام در تعز؛

۹. بنیاد دارالزهرا سلام الله علیها برای رسانه‌های فرهنگی صنعا و نشر اندیشه اهل بیت است؛

۱۰. مرکز الثانیه: حرات الشرعی / صنعا - به مطالعه عقیده شیعیان اثنی عشری می‌پردازد؛

۱۱. روزنامه الشورا، سخنگوی اتحادیه نیروهای مردمی؛

۱۲. روزنامه الامه: بلندگوی حزب الحق؛

۱۳. روزنامه البلاغ.

شیعیان یمن با جمعیت قابل توجه یکی از موثرترین بازیگران عرصه فرهنگی یمن بخصوص بعد از تحولات سال ۲۰۱۴ هستند که باید با شناسایی تمام ابعاد، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های آنان در جهت تعمیق و گسترش قدرت نرم فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران که برخاسته از فرهنگ شعبی است گام‌های اساسی برداشت و برعمق استراتژیک خود در منطقه خاورمیانه افزود (Al-Daghshi, 2019: 37).

۴-۶. فرهنگ انقلاب اسلامی در یمن

مجموعه‌ای از عوامل و تحولات منجر به وقوع انقلاب اسلامی ایران و سرنگونی رژیم ستمشاهی محمدرضا پهلوی در بهمن ۱۳۵۷ شد. ویژگی انقلاب این بود که شرکت کنندگان به طبقات اجتماعی متعددی تعلق داشتند. مانند اتحادیه‌های کارگری جناح چپ، روشنفکران لیبرال، طبقه متوسط، دانشجویان، محافظه کاران مذهبی و سایر بازیگران (John Foran, 1993: 209) که در این بین گفتمان اسلامی توسط امام خمینی (ره) بر انقلاب مسلط شد. «صدر انقلاب» یکی از اصول اساسی گفتمان و فرهنگ اسلامی انقلاب بود که توسط امام خمینی (ره) پایه ریزی شد.

اما جنگ طولانی با عراق و جذابیت محدود فرهنگ و ایدئولوژی شیعه دوازده امامی در خاورمیانه با اکثریت سنی، ایران را بر آن داشت تا با نشان دادن مقداری عمل گرایشی هنگام جستجوی متحدان منطقه‌ای، حمایت از گروه‌های خارجی لزوماً مبتنی بر وابستگی مستقیم مذهبی نباشد، بلکه بر اساس اصول ایدئولوژیک گسترده‌تری مانند ضدیت با امپریالیسم، مخالفت با اسرائیل، ایالات متحده و متحدانی مانند عربستان سعودی قرار داشت (Thom- as Juneau, 2016: 645). نظام جمهوری اسلامی ایران از گروه‌های شیعه و سنی منطقه، مانند حزب الله لبنان، کتائب حزب الله و عصائب اهل الحق در عراق، سوریه و گروه‌های سنی فلسطینی مانند حماس و جهاد اسلامی حمایت نظامی، سیاسی و فرهنگی می‌کند.

شخصیت‌های برجسته جمهوری اسلامی و بسیاری از متفکران و تحلیل‌گران منطقه، تعداد

زیادی از گروه‌ها و رژیم‌های طرفدار تهران را بخشی از نفوذ فرهنگی ایران و «محور مقاومت» در منطقه می‌دانند (Hussein Kalout, 2017: 24).

ائتلاف‌های رسمی بین برخی از اعضای این محور وجود دارد (Buladi, 2016:16)؛ اما به ایجاد یک بلوک رسمی که شامل همه بازیگران دولتی و غیردولتی مرتبط باشد منجر نشده است. در میان اعضای این محور، گروه حوثی در یمن که بعد از تحولات ۲۰۱۴ به منبع قدرت رسمی دولتی در این کشور تبدیل شده است، به دلیل دشمنی با هژمونی آمریکا در خاورمیانه رابطه خوبی با ایران دارد (Adagimi, 2017:22)؛ البته تعیین میزان رابطه مذهبی یا پیوند اعتقادی بین حوثی‌ها و ایران دشوار است. حوثی‌ها از فرقه زیدی پیرو اسلام شیعه هستند و با فرقه شیعه اثنی عشری که ایران به آن معتقد است متفاوت است و نزدیک ترین فرقه شیعه به فرقه سنی به شمار می‌رود. زیدیان به شورش زید بن علی علیه خلافت اموی در قرن هشتم احترام می‌گذارند و معتقدند که زید باید پنجمین امام پس از علی بن حسین (ع) می‌بود.

از نظر اعتقادی، بین مکتب زیدی و اثنی عشری، به ویژه در درک امامت، تفاوت‌های متعددی وجود دارد. پیروان شیعه اثنی عشری معتقدند که پیامبر بر امامان بعد از خود شرط کرده است و آنها دوازده امامی هستند که از اولین امام علی بن ابی طالب (ع) که پسر عمو و داماد رسول است و به امام زمان (عج) ختم می‌شوند. مهدی موعود بر اساس عقیده شیعیان دوازده امامی، بدی را پایان می‌دهد و در جهان عدالت را گسترش می‌دهد. اما زیدی‌ها به اصل غیبت اعتقادی ندارند و امامت اولاد امام علی و حضرت فاطمه (دختر پیامبر) را با توجه به صلاحیتشان از نظر علم دینی جایز می‌دانند. پیروان زیدیه به پیروی از زید بن علی معتقدند که امامان واقعی باید با حاکمان فاسد مبارزه کنند و بدین ترتیب این امامان دارای نمادهای اجتماعی و مذهبی هستند. با اینکه ولایت ائمه را می‌پذیرند، اما آنها را معصوم نمی‌دانند و معتقد به منصوب شدن امام به نص الهی نیستند. این باورها منجر به انعطاف و تنوع اعتقادی زیادی شد که باعث شد بسیاری از عناصر اهل سنت در اندیشه دینی زیدی گنجانده شوند (سالمونی، ۲۰۱۰). امامت زیدی صدها سال و برای دوره‌های متناوب بر شمال یمن حکومت کرد تا اینکه انقلاب جمهوری خواهان و اعلام جمهوری عربی یمن در ۲۶ سپتامبر ۱۹۶۲ توسط آنها که به دنبال آن جنگ داخلی در شمال یمن رخ داد. بسیاری از منتقدان حوثی‌ها را به تلاش برای احیای امامت زیدی متهم می‌کنند (Adusari, 2017:21)، بنابراین تأثیر پذیری شیعیان حوثی و زیدی یمن از فرهنگ و ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران را باید در یک چارچوب کل محور نگرست و نباید

تنها بر عامل مذهبیت تاکید کرد، تا که بتوان الگوی صحیح تأثیر پذیری از فرهنگ جمهوری اسلامی را در بین حوثی‌های یمن استخراج کرد و آن را به عنوان یک ظرفیت تمام عیار از قدرت نرم فرهنگی جمهوری اسلامی ارتقا و گسترش داد.

پیروان فرقه زیدی نزدیک به یک سوم جمعیت یمن را تشکیل می‌دهند و همه آنها از حوثی‌ها حمایت نمی‌کنند (Schmitz, 2015: 14). شورش حوثی‌ها از بطن دو جنبش که معتقد به احیای زیدی هستند متولد شد:

۱. سازمان جوانان مؤمن، یک سازمان مذهبی زیدی که در دهه ۱۹۹۰ به عنوان یک جبهه فکری در مخالفت با نفوذ فزاینده وهابی و سلفی در شمال یمن تأسیس شد؛

۲. حزب الحق، یک حزب سیاسی زیدی به نمایندگی از حسین بدرالدین الحوثی در پارلمان یمن، بین سالهای ۱۹۹۳ و ۱۹۹۷؛

در هر حال ریشه‌های این جنبش در زمینه احیای زیدی تا حدودی ایدئولوژی حوثی‌ها و پیوندهای ادعایی آنها با ایران را توضیح می‌دهد.

۴-۷. جنبش حوثی‌ها

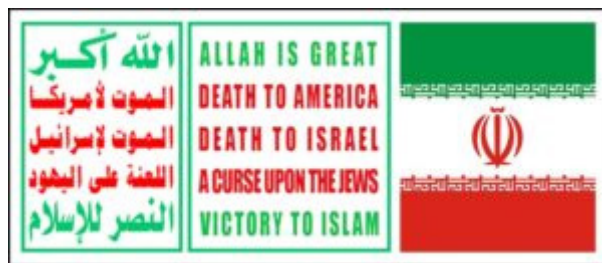
حسین بدرالدین الحوثی تحسین خود از الگوی انقلاب اسلامی ایران پنهان نکرد و امام خمینی (ره) را رهبر عادل و صالحی دانست که باید از تلاش‌هایش برای مقاومت در برابر نفوذ غرب در خاورمیانه الگو برداری کرد. حسین بدرالدین الحوثی در رابطه با انقلاب اسلامی ایران همواره بیان می‌داشت که «انقلابی را می‌بینید که می‌تواند زندگی و ملتی بزرگ بسازد» (Abuavazeh, 2014: 46). الحوثی برای مقابله با آنچه که تحقیر اعراب به دست دشمنان‌شان از غرب، به‌ویژه آمریکا و اسرائیل می‌دانست، ایران را با توجه به جذابیت الگوی انقلابی شیعه ضد امپریالیستی که دارد، الگویی می‌داند که می‌تواند اعراب را به سمت «عزت و شکوه» سوق دهد (Alhusi, 2002: 157).

بسیاری از رسوم فرهنگی و مذهبی حوثی‌ها همسو با فرهنگ و ایدئولوژی نظام جمهوری اسلامی ایران است که باید در رابطه با ظرفیت قدرت نرم فرهنگی ایران مورد توجه قرار گیرد، مانند بزرگداشت عاشورا، روز جهانی قدس و عید غدیر غم (Albalushi, 1992: 155). حوثی‌ها

مانند دیگر متحدان و عوامل ایران در منطقه بر شعارها و تصاویر اسلامی ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی جمهوری اسلامی ایران تکیه می‌کنند. در واقع بخش بزرگی از ذهنیت حوثی‌ها الهام گرفته از شعار الله اکبر، مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل است.

مخالفت با امپریالیسم آمریکا، یکی از مهمترین شعارهای انقلاب ایران بود. رژیم ایران از سال ۱۹۷۹ مکرراً بر خصومت خود با ایالات متحده که آن را «شیطان بزرگ» توصیف می‌کند تأکید کرده است. ایران در خاورمیانه، آمریکا و متحدانش در منطقه را مانند اسرائیل و عربستان سعودی دشمنان اصلی «محور مقاومت» می‌داند. اتخاذ شعار «مرگ بر آمریکا» از سوی گروه حوثی‌ها بخشی از خصومت با آمریکا است که در قلب فرهنگ و ایدئولوژی حوثی‌ها قرار گرفته است (Adagshi, 2018:37).

حسین بدرالدین الحوثی در سخنرانی‌های خود بر نقش مضر ایالات متحده و اسرائیل در منطقه تمرکز داشت. ایران و حوثی‌ها با اسرائیل مخالف هستند، اما دولت ایران زبان محتاطانه تری را اتخاذ کرده است که یهودیان را به عنوان یک کل هدف قرار نمی‌دهد، بلکه بر خصومت اسرائیل به عنوان یک نهاد سیاسی متمرکز است. عبدالملک الحوثی گفت که در صورت بروز هرگونه درگیری بین حزب الله لبنان و اسرائیل، جنگجویان حوثی را برای حمایت از حزب الله لبنان اعزام خواهد کرد (Kosarani, 2018:23). شایان ذکر است که هر دو گروه ادعا می‌کنند که تفسیر تحت اللفظی این شعارها را رد می‌کنند و مقصود در اینجا «مرگ» سیاست‌های آمریکا و اسرائیل است و نه مرگ بر خود آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها.



شکل ۱. پرچم مورد استفاده گروه حوثی و پرچم ایران

همچنین شباهتی بین پرچم ایران و نشان گروه حوثی وجود دارد، زیرا هر دو دارای سه رنگ

هستند: سبز که از لحاظ تاریخی نماد طبیعت، وحدت و رشد در ایران است و اهمیت قرآنی آن به بهشت پیوند خورده است، سفید که نماد صلح است و سرخی که نماد خون شهداست (Geyabi, 2019: 837-853).

حوثی‌ها خود را انصارالله می‌خوانند، مشابه نام حزب‌الله لبنان، به عنوان یک نهاد سیاسی، که توصیفاتی الهام‌گرفته از آیات قرآن است. یکی از شعارهای که در خارج از یمن به طور گسترده توسط رسانه‌های ایرانی و لبنانی مورد استفاده قرار گرفت، شباهت‌های زیادی به نمادهای حزب الله و سپاه پاسداران ایران دارد. شبه نظامیان مورد حمایت ایران مانند حرکت النجبه و کتائب حزب الله نیز از تصاویر مشابه در شعارهای خود استفاده می‌کنند. شباهت بین این شعارها و نمادها هژمونی فرهنگی و ایدئولوژیکی مستقیم ایران را اثبات می‌کند.

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، با عنایت به گزاره‌های قدرت نرم فرهنگی، مؤلفه‌های افزایش جایگاه نفوذ و قدرت ایران در یمن مورد بررسی قرار گرفت. روابط ایران و یمن پیش از اسلام و در زمان ساسانیان شروع شد. حکومت آل بویه در ایران در آغاز حکومتی زیدی از نوع شیعیان یمن بود. یمن در گذشته در بسیاری از دوره‌ها مانند دوره ساسانی تحت نفوذ حکومت ایران بوده و گاهی حاکم یمن از طرف پادشاه ایران بایستی حکم حکومتی دریافت می‌کرد.

میزان نفوذ فرهنگی و فکری ایران عصر ساسانی و قبل از آن بر سرزمین‌های عربی به ویژه بر اعرابی که در نواحی شمال شرقی و شمال شبه جزیره و یا در سرزمین عراق زندگی می‌کردند و با کوچ نشین‌های ایرانی مشرق عربستان هم در تماس بوده اند، بیش از سایر مناطق بوده است. از بین این سرزمین‌ها حیره و یمن بیش از سایرین در معرض نفوذ چشمگیر فرهنگ ایرانی قرار داشته است؛ این امر مولود علل گوناگونی می‌تواند باشد: از جمله ی طبیعی ترین این علل، یکی نزدیکی مرزهای جغرافیایی و مهاجرت ایرانیان از اقشار مختلف به این ناحیه به دلیل آب و هوای مطلوب و رونق بازار تجارت و کشاورزی و صنایع دستی می‌باشد و به جز این، بارها از طرف پادشاه ایران گروهی از نظامیان به همراه خانواده‌هایشان جهت سکونت به این مناطق اعزام شدند. این گروه به همراه خود بسیاری از آداب و رسوم و فرهنگ و اعتقادات ایرانی را وارد این مناطق کرده، به تدریج، باعث نفوذ فرهنگی هرچه بیشتر ایران در این سرزمین‌ها شدند. دیگر اینکه حکومت‌های

این دو ناحیه دست نشانده دولت ایران بودند. مخصوصاً بیشتر پادشاهان یمن در دوران حکومت ساسانیان ایرانی نژاد بودند که به تنهایی و یا در کنار فرمانروای عرب آن سرزمین امور یمن را زیر نظر پادشاه ایران اداره می نمودند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، یمن به ویژه گروه‌های موسوم به مقاومت در آن مورد توجه خاص مقامات ایران قرار گرفت. نفوذ فرهنگ و تمدن ایرانی در یمن، مذهب شیعه، شیعیان یمن، نهادها و رهبران شیعی به ویژه حضور فعال حوثی‌ها در تحولات یمن از ظرفیت‌های مهم قدرت نرم فرهنگی ایران در ین به شمار می‌آید. حوثی‌ها بخش بزرگی ساختارهای فرهنگی، ایدئولوژیک و عقیدتی خود را متأثر از انقلاب اسلامی ایران می‌دانند. به‌طورکلی باید گفت که ظرفیت فرهنگی ایرانیان در نسبتی که میان خود و سایر کشورها به ویژه یمن برقرار کرده است، در میان دو ضلع منابع هویتی: «اسلامیت، ایرانیت» شکل یافته است. قدرت نرم فرهنگی محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی است. جمهوری اسلامی ایران به دلایل مختلفی زمینه‌ها و شرایط لازم را برای کسب قدرت نرم و ارتقای حد نصاب محبوبیت خود در میان کشورهای منطقه به ویژه یمن فراهم ساخته است.

روابط ایران و یمن همواره متأثر از وضعیت بین‌المللی و منطقه‌ای بوده است. شرایط جدید گذار قدرت از سخت به نرم و هوشمند تحولات عمیقی را در دیگر حوزه‌های سیاسی و اجتماعی به وجود آورده است که سیاست خارجی هم از این تحولات مستثنی نبوده است. مساعدت ایران در راستای حفظ وحدت و تمامیت ارضی یمن، در واقع تلاش برای حفظ منافع ملی و منطقه‌ای ایران می‌باشد. حفظ یمن در واقع کمک به حفظ بقای ایران است؛ هرچند جمهوری اسلامی ایران در حوزه مناقشات منطقه‌ای کانون تمرکز خود را بر ژئوپلیتیک محور مقاومت (از جمله یمن، سوریه، عراق، لبنان) قرار داده است، اما دفع چالش‌های امنیتی جدید و بهره‌گیری از فرصت‌های فراهم شده مستلزم آن است که جمهوری اسلامی ایران حضور فعال و مؤثری در تحولات منطقه‌ای و بحران یمن داشته باشد.

جمهوری اسلامی ایران به واسطه برخورداری از یک نقش ممتاز منطقه‌ای و بین‌المللی و با توجه به تغییرات ایجاد شده در سطح منطقه و تحولاتی که آینده قدرت را در منطقه تغییر داده است و به دنبال اجرای راهبرد هوشمند در سیاست خارجی بوده است. این راهبرد هوشمند

مشخصاً برآمده از ترکیب مؤلفه‌های سخت و نرم قدرت در یک ساختار مدبرانه و هوشمندانه برای تامین منافع ملی و دست یابی به اهداف با کمترین هزینه و بیشترین بازدهی بوده است. در این راهبرد ایران ضمن حفظ و ارتقای توان سخت افزاری و نرم افزاری خود توانسته است نفوذ و جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خود را تقویت کند. نمود بارز قدرت هوشمند ایران در منطقه را می‌توان در سیاست منطقه‌ای ایران پیرامون یمن مشاهده کرد. استراتژی ایران مبتنی بر محور مقاومت و بازدارندگی است که ارکان اصلی آن استفاده از نیروهای متحد محلی و افزایش قابلیت‌های بازدارندگی است. الگوی نفوذ جمهوری اسلامی ایران در یمن را می‌توان یکی از موارد کارآمد و موفق بروز قدرت هوشمند ایران در منطقه خاورمیانه تلقی نمود.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

References

- Al-Daghashi, Ahmed Muhammad (2014) "The Houthis...the Houthi phenomenon," Heritage Studies, Yemen. [In Arabic]
- Al-Daghashi, Ahmed Muhammad (2018) "The Houthis...the Houthi phenomenon," Sana'a: Khaled bin Al-Walid Publishing House. [In Arabic]
- Gonlubol, M. (2000), Uluslararası politika [International politics]. 5th ed. Istanbul: Siyasal Kitabevi.
- Hersij, H. & Tuysarkani, M. (2009), "The influence of Iranian identity building components on the soft power of the Islamic Republic of Iran", Cultural Research Quarterly, Vol. 3 (9). [In Persian]
- Joseph S. Nye Jr. (1990) Bound to Lead: The Changing Nature of American Power, p. 196
- Keohane, R.O. and Nye, J.S. (1989), Power and interdependence: World politics in transition. 3rd ed. Boston: Little-Brown.
- Khodaverdi, H., Nabavi, M., Keshishian Siraki, G., & Simbar, R. (2026). Strategic Imperatives of the Axis of Resistance for the National Security of the Islamic Republic of Iran. *Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 7(2), 80–111.
- Lord, C. (2006). Losing hearts and minds, public diplomacy and strategic influence in the age of terror. New York: Praeger Security.
- Migdal, J. (2014). Shifting sands: the United States in the Middle East. New York, NY: Columbia University Press.
- Morgenthau, H. J. (1962). Politics among nations. New York: Chicago Press.
- Nye, J. S. (1990). Bound to lead: The changing nature of American power. 1st edition. New York: Basic Books.
- Nye, J. S. (2003). Amerikan gücünün paradoksu: Dünyatek süper gücü neden

tek basina davranamaz [The paraodox of American power: Why the World's superpower can't go it alone]. 1st ed. Istanbul: Literatur.

Nye, J. S.(2005). Dunya siyasetinde basarinin yolu: Yumusak guc [Soft power: The means to success in world politics].1st ed. Istanbul: Elips Kitap.

Nye, J. S.(2010). American and Chinese power after financial crisis.The Washington Quarterly, 33(4), pp. 143-153.

Salisbury, Peter. (2015). "Yemen and the Saudi-Iranian: Cold War". The Royal Institute of International Affairs Chatham House, Vol.2 (1).

Selvik, Kjetil. (2015). "War in Yemen: the view from Iran". The Norwegian Peace building Resource Centre, Vol.1 (2).

Tikkanen, A. (2000). Aden: The Old Quarter of Aden, Yemen. Encyclopaedia Britannica.

61. US Institute of Peace (2020). China's Impact on Conflict and Fragility. JSTOR.

Eitan Kohlberg, "(2019), Some Zaidi Views on the Companions of the Prophet," Bulletin of the School of Oriental and African Studies.

Al-Balushi, (1992) "The Ideological Roots of the Houthi University in Yemen," Sana'a, Dar Al-Turath. [In Arabic]

Al-Balushi, (2019) "The Ideological Roots of the Houthi Group in Yemen," Sana'a, Dar Al-Turath. [In Arabic]

John Foran & Jeff Goodwin, (1993) "Revolutionary Outcomes in Iran and Nicaragua: Coalition Fragmentation, War, and the Limits of Social Transformation," Academic Journal of Theory and Society, 22(5), pp. 209-247. (In Arabic)

Al-Houthi, Hussein Badr al-Din (2002) "In the Shadows of the Supplication of Makarem al-Akhlaq (Lesson Two), Yemen, Saada. (In Arabic)

Al Balushi, Hamad (2016) "The Ideological Roots of the Houthi Group in Yemen," Journal of Arab Studies. [In Arabic]

- Salmoni, B. , B. Loydolt, M. Wells, (2010), Zaidiism: An Overview and Comparison with Other Shiite Sects, Santa Monica, CA: RAND Corporation. [In Arabic]
- Sasanian, S. (1404). Rethinking "Deterrence" in the Conflict Between the Islamic Republic of Iran and the Zionist Regime. *Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 7(2), 166–192.
- Lux, Abdullah (2020) "The Last Zaidi Imam in Yemen: Faithful Youth and Hezbollah in the Thought of Hussein Badr al-Din al-Houthi," Journal of Contemporary Arab Affairs, 34(15), pp. 434-369. [In Arabic]
- Ghamdan Al-Duqaimi, (2017), Did the Houthi group convert to the Twelver sect, Al-Jazeera, Dar Al-Hayat. [In Arabic]
- Ghaibi, Maziar (2019) "The Iranian Regime's Expediency Discernment Council: Crisis and Statecraft in Iran and Beyond," Journal of Middle East Academic Studies, 56(12), pp. 837-853. [In Persian]
- Najm Haider, (2017), Al-Zaidiyya: A Theological and Political Study," 4(7), pp.436-442. [In Arabic]
- Nadwa Al-Dosari, (2017) "The End Game for the Houthis in Yemen," Al Jazeera. [In Arabic]